**انسان شناسان دینی**

رسول محسن زاده

**مقدمه:**

**زندگی نامه انسان‌شناسان بزرگ می‌تواند در فهم رویکردهای روشی، هستی شناسانه و معرفتی آنها و نیز شناخت بهتر ایده‌ها و آثار این متفکران موثر باشد. ما در این یادداشت تلاش نموده ایم تاریخ تولد و زیست و آثار متفکرین برجسته در حوزه انسان‌شناسی دین را ذکر و معرفی نموده و سپس ایده های عمده این افراد را مورد اشاره قرار دهیم.**

**فهرست:**

**1- ادوارد بارنت تایلور**

**2-جرج فریزر**

**3- امیل دورکیم**

**4-برانیسلاو مالینوفسکی**

**5-رادکلیف براون**

**6- ایوانز پریچارد**

**7-کلود لویی اشترواس**

**8-ویکتور ترنر**

**9-کلیفورد گیترز**

**10-مری داگلاس**

**11-شری اورتنر**

**12-طلال اسد**

**13-میرچا الیاده**

**14-لوسین لویی برول**

**سِر ادوارد بارنت تایلور 1832-1917**

**آثار عمده:**

**فرهنگ بدوی (1871)**

**آناهیواک: مکزیک و مکزیکی ها از دوران کهن تاکنون**

**پژوهش هایی در تاریخ اولیه نوع بشر و ایجاد تمدن**

تایلور متولد خانواده‌ای مذهبی در شهر لندن بود و خانواده وی به فرقه کویکر متعلق بود. همین امر منجر به تحصیل او در مدارس دینی خاص این فرقه شد. تایلور هرگز پا به میدان تحقیق انسان شناسی نگذشت اما در طی سفر درمانی که به مناطق گرمسیری آمریکا داشت تحت تاثیر زندگی بومیان این کشور قرار گرفت و به انسان شناسی علاقه مند شد. او به داده هایی که کشیشان و مستشاران نظامی انگلیس درباره بومیان مستعمرات بریتانیا جمع آوری کرده بودند اکتفا کرد و به پاس خدماتی که به بریتانیا ارائه داد لقب سر گرفت و عضو انجمن سلطنتی بریتانیا گردید. تایلور در سال 1884 مدرس دروس انسان شناسی در دانشگاه آکسفورد شد و این اولین منصب انسان شناسی در تاریخ این رشته بود. سهم و تاثیر تایلور در تاریخ انسان شناسی بی همتاست. او بی شک پدر انسان شناسی و مهم ترین متفکر مکتب تطوری است. تایلور همچنین پایه های نظریه اشاعه را نیز صورت گذاری کرد. اما تاثیر که تایلور بر انسان شناسی دین گذاشت؛ به طور کلی یکی در نظریه آنیمیسم یا روح جان گرایی است و دیگر نظریه ای تطوری دین بود. او با طرح سوال موجودات انسانی و جانداری که در طول خواب خلسه ظاهر می شوند چیستند؟ ما را وارد مباحث آنیمیسمی می کند. فلاسفه بدوی هنگامی که به این دو مورد توجه کردند به این نتیجه رسیدند که زندگی انسانی دارای دو بعد است: زندگی و وهم که هر یک پیوندی عمیق با دیگری دارد، آنها بر این باور بودند که انسان بدون وهم، می‌میرد و از سویی انسان این توانایی را دارد که این شبه یا وهم جدا شده را ببیند. تیلور این روح جدا شده را روح‌ِ سایه‌گون[[1]](#footnote-1) یا روحِ ‌خیالی[[2]](#footnote-2) می‌نامد.(تایلور،2011: 89) انسان بدوی، شخصی را که در خواب می‌دید، همزاد واقعی انسان می‌پنداشت.

برخی از این ارواح تا حد الوهیت‌ محلی ارتقا می‌یابند و وجهی خداگون به خود می‌گیرند. اما آنچه در آنمیسم اهمیت دارد حضور این ارواح در جای جای طبیعت بویژه طبیعت وحشی(طبیعت غیر مزروع)می‌باشد. این مکان‌ها اقالیم واقعی ارواح هستند به همین علت انسان بدوی به این نتیجه می‌رسد که تمامی پدیده‌های طبیعی داری نیروی حیاتی هستند.. از آنجایی که بخشی از این نیروهای طبیعی مانند رعد وبرق دارای قدرت بسیار زیادی می باشند به مرور بیش از سایر نیروها مورد توجه قرار می‌گرفتند و وجه خداگونه آنان، بیش از پیش آشکار می‌شد. دیدگاه تطوری تایلور جوامع بشری را در یک حرکت مستقیم و مرحله‌ایی جستجو می‌کرد. خط سیر تطوری او در مورد نهاد دین بدین صورت است:

روح جان گرایی[[3]](#footnote-3) فتیشیسم[[4]](#footnote-4) پاگانیسم[[5]](#footnote-5) چندخدایی[[6]](#footnote-6) یکتاپرستی[[7]](#footnote-7)

همانگونه که می بینیم اهمیت تایلور در تاریخ انسان شناسی دین و جامعه شناسی دین از دو جهت است. نخست نظریه آنیمیسم او که صرف نظر از درستی یا غلط بودنش، مبنای تئوریک بسیاری از تئوری ها انسان شناسی و جامعه شناسی مانند نظریه افسون زدایی وبر شد . از جهت دیگر تایلور تایلور با ترسیم سیستم تطوری دین، عملا کلید نگاه نگاه تطوری و اروپا محور به ادیان را زد و پس از او بسیاری از انسان شناسان برجسته، با پیشینی قرار دادن چنین نمودارهایی پا به میدان تحقیق دینی می گذاشتند.

..................................................................................................................................................................

**جرج فریزر (1854-1941)** James George

**آثار عمده:**

**شاخه زرین در 12 جلد(1890)**

**توتمیسم و برون همسری(چهار جلد)**

**دانش عوام در عهد عتیق(4 جلد)**

**رشد نظریه مثل افلاطون**

**توصیف یونان(6 جلد)**

جیمز جرج فریزر انسان شناسی اسکاتلندی است پدر او دانیل فریزر داروساز و مادرش متعلق به خاندان اشرافی بریتانیا بود. او تحصیلات خود را در دانشگاه گلاسکو در رشته فیزیک پی گرفت اما بعدها در کمبریج دانشجوی رشته فلسفه شد و درس خود را با تزی درباره افلاطون به اتمام رساند. برخلاف انسان شناسان متاخر غیر از سفرهایی به ایتالیا و یونان، چندان اهل سفر و گشت و گذار نبود. منابع مورد استفاده او، غیر از مطالعه تاریخ باستان بیشتر اسناد و نوشته هایی بود که از مسیونرها و کشیشان اروپایی در آرشیوها انباشته شده بود. آغاز رسمی درگیری فریزر با انسان شناسی، مطالعه کتاب فرهنگ بدوی تایلور بود. علاوه بر این دوست صمیمی‌اش، رابرتسون اسمیت که متخصص ادیان سامی و فرهنگ فولکور بود، تاثیر زیادی بر حرکت فریزر به سوی انسان شناسی داشت. او به پاس خدماتش، همچون تایلور به لقب سِر نائل شد و به خاندان سلطنتی بریتانیا نفوذ پیدا کرد سرانجام در سال 1941 در حالی که بینایی خود را از دست داده بود، درگذشت. همسر فرانسوی وی نیز که در نوشتن و وبراست آثارش بسیار کوشا بود درست چهار ساعت بعد از مرگ فریزر از دنیا رفت. تاثیر فریزر بر انسان شناسی و به طور خاص انسان شناسی دینی بی‌همتاست. کار او در مورد توتمیسم به شدت مورد توجه کلود لویی اشتروس قرار گرفت. اهمیت کار فریزر محدود به انسان شناسی نیست، فروید در کتاب توتم و تابوی خود تز رابطه بین روان نژندی و زیست جوامع بدوی را بر مبنای داده‌هایی که از کتاب شاخه زرین اخذ کرده بود، پیاده می‌کند

در حوزه دین باید گفت که فریزر نخستن کسی است که به مطالعه رابطه بین آیین و مناسک دینی و اسطوره پرداخت. شاخه زرین عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار جیمز فریزر است که دارای شهرت جهانی است. شاخه زرین یک پژوهش تطبیقی است که با رویکردی اجتماعی، با تکیه بر دو محور اسطوره و دین، به تحقیق در مبانی خرافه‌پرستی، ادیان ابتدایی و اعتقادات و مناسک مردمان اولیه می‌پردازد و در صدد اثبات این ادعاست که سیر اندیشه انسان‌ها برای توجیه وقایع زندگی و طبیعت پیرامون‌شان، و نیز برای گره‌گشایی یا گریز از پیچیدگی‌های حیات، چگونه ابتدا به جادو و خرافه‌ها روی آورد و بعد از آن به دین گروید و سرانجام از دین به علم متمایل گشت. او در این کتاب، به دنبال یافتن وجه مشترک ادیان و اساطیر مردمان جهان بود. به طور کلی می‌توان گفت کار فریزر تکمیل پروژه‌ی تطوری تایلور بود. اثر او شاخه زرین با وجود ایراداتی که بدان وارد است یکی از بهترین و کامل ترین آثار در حوزه انسان شناسی دین به شمار می‌رود.

...................................................................................................................................................................

**امیل دورکم 1858-1917**

**آثار عمده:**

**-اثار عمده:تقسیم کار(1893)**

**-قواعد روش(1895)**

**-خودکشی(1897)**

**صور بنیادی حیات دینی(1912)**

امیل دورکیم در سال 1858 در خانواده ایی اِشکنازی در منطقه ی شرقی فرانسه متولد شد. پدربزرگ او داوود اسراییل دورکیم از خاخام های معروف یهودی بود. بیشتر دوران زندگی خود را درگیر جنگ و برخوردهای نژادپرستانه بود. بعد از جنگ بین پروس و فرانسه شهر آنها به تصرف پروسی ها درامد و مردم علتی بهتر از خیانت یهودی ها را پیدا نکردند. او در دوران جوانی به سرعت ترقی کرد و در مدرسه نظامی خیلی سریع مدارج علمی را طی نمود. دورکیم بنیانگذار جامعه شناسی و برای ایجاد این کرسی در جامعه شناسی تلاش های بسیاری نمود. اهمیت دورکیم برای انسان شناسی در وحله نخست ایجاد مکتب کارکردگرایی در جامعه شناسی فرانسه بود که مستقیماً بسیاری از انسان شناسان مانند مارسل موس خواهرزاده دورکیم و کل انسان شناسان ساختارگرا را متاثر نمود. علاوه بر این وی در کتاب صور بنیادین حیات دینی مستقیماً از داده های انسان شناسانی چون اسپنسر و گیلن استفاده کرد و با مطالعه جامعه قبیله ایی استرالیا عملا در پی پاسخ گویی سوالات مهمی بود که عملا به حوزه انسان شناسی دین و شناخت گره خورده است. گرچه کتاب صور بنیادی با طرح دیدگاه معرفتی کانت آغاز و باهمه اِشاراتی که به مکاتب زبان شناسی و تجربه‌گرایی دراین‌بین دارد، با نتیجه‌گیری در رد کانت پایان می‌یابد اما می‌توان به سادگی رنگ و بوی دینی را در مسئله دورکیم دید. علت توجه دورکیم و بسیاری از متفکرآن‌هم‌عصرش به دین و اخلاق زیست در جامعه‌ایی بود که ظاهراً به‌سوی بی‌دینی هر چه بیشتر حرکت می‌کرد. این در حالی بود که همین دین در اجتماعات پیش ‌از این مدرنیته نقشی انتظام بخش و حیاتی را در اجتماع بازی می‌کرد و در حال حاضر به مرحمت روشنگری و صنعتی شدن، بدیل‌های جایگزین مانند علم یا اخلاق جهان‌شمول مطرح‌شده و مورد استفاده قرارگرفته بود. این تمایل تکامل گرایانه برای حذف دین و حرکت به اخلاق عام، در خود دورکیم یهودی به علت زیست در خانواده‌ایی داغ‌خورده دیده می‌شد.

.................................................................................................................................................................

**برانیسلاو مالینوفسکی(1884-1942)**

**آثار عمده:**

**خانواده در میان بومیان استرالیا(1913)**

**دریانوردان اقیانوس آرام(1922)**

**جادو، علم و دین(1925)**

**خلاف و عرف در جامعه ابتدایی(1927)**

**آزادی و تمدن(1944)**

**پویایی دگرگونی فرهنگ(1949)**

زندگی‌نامه:

در سال 1884 در شهر کراکو لهستان متولد شد. پدر او یک استاد برجسته زبان های اسلاو بود و دوران کودکی خود را در بین اشراف و روشنفکران لهستانی سپری کرد. او دکتری فیزیک داشت اما برخی عوامل از جمله بیماری و وضعیت مالی‌اش او را به سوی انسان شناسی سوق داد. او در جریان مطالعاتش به شدت تحت تاثیر شاخه زرین جرج فریزر قرار گرفت. او به دانشگاه لایبزیک رفت و به یادگیری علمی انسان شناسی پرداخت. مالینوفسکی در سال ۱۹۱۴ این فرصت را پیدا کرد که به گینه نو برود و در مورد قبایل بدوی این سرزمین تحقیق کند اما در همان زمان جنگ جهانی اول شروع شد و او دیگر نمی‌توانست به انگلیس برگردد. چون او تبعه اتریش-مجارستان بود و اهل کشور دشمن بریتانیا محسوب می‌شد. اما دولت استرالیا (بخش شرقی گینه نو مستعمره استرالیا بود) به او مجوز و سرمایه لازم برای تحقیقات مردم‌شناسی را داد و مالینوفسکی نیز به جزایر تروبریاند از جزایر ملانزی در شرق گینه نو رفت و چندین سال در کنار میان این سرزمین زندگی کرد.در سال 1922 در دانشگاه لندن شروع به تدریس انسان شناسی کرد و چند سال بعد در دانشگاه های متعدد آمریکا و اروپا مشغول به تدریس شد و شاگردان بزرگی مانند ایوانز پریچارد را به انسان شناسی تقدیم کرد.

دِین مالینوفسکی به انسان شناسی از چند جهت است، مطالعات میدانی او، نظریات جدیدی که به نظریات سابق اضافه نمود، پرورش شاگردان برجسته و بیش از هر چیز به علت خدمات روش شناسی به کل مجموعه علوم اجتماعی. اما نقش مالینوفسکی در انسان شناسی بیش از هرچیزی به علت خوانش‌های او از اسطوره و جادوست که در نوع خود بی‌سابقه بود. از نظر او اسطوره صرفاً یک شرح و داستان حاوی برخی اطلاعات مغشوش و پراکنده نیست بلکه یک راهنمای عملی برای فعالیت‌هایی است که با آن در ارتباط می‌باشند. طرح‌بندی بسیاری از مناسک‌های دینی بازسازی روایت اسطوره‌هاست و این مراسم‌ها ارجاعی مستقیم به حوادثی هستند که پیشتر در اسطوره نقل شده است. مالینوفسکی با نگاه کارکردگرایانه‌اش به انسان‌شناسان آموخت که مناسک، آیین، جادو و اسطوره‌ها بازتاب و منعکس کننده خصایص فرهنگی و ستون تمدن‌های ابتدایی به حساب می‌آیند و می‌توانند در شناخت یک جامعه کاملاً موثر باشند.

...................................................................................................................................................................

**رادکلیف براون(1881-1955)**

**جزایر اندامان: مطالعه‌ی انسان شناسی اجتماعی(1922)**

**سازمان اجتماعی قبایل استرالیا(1931)**

**در روابط طنز(1940)**

**ساختار و کارکرد در جوامع اولیه: پس از مرگ(1952)**

براون در سال 1881 در بیرمنگام انگلستان متولد شد و در تحصیلات عالیه خود را در کمبریج گذراند . او دوران کودکی خود را در انزوا و گوشه‌گیری سپردی کرد و در دوران جوانی شخصیتی خون گرم اما آرام از خود را به یادگار گذاشت البته برخی از انسان شناسان خاطرات خوشی از برخوردها و غرور او نداشتند. او در سال 1906 به راهنمایی هادن مطالعه میدانی را در جزایر آندمان در سال دوردست جنوب میانمار به انجام رساند. او مطالعات مردم نگارانه دیگری در مورد گروه های بومی استرالیا انجام داد و سپس به بریتانیا برگشت و در جنگ شرکت کرد. او در دانشگاه های کیپ تاون در آفریقای جنوبی، سیدنی و شیکاگو تدریس کرد و در نهایت در سمت استادی دانشگاه آکسفورد در سال 1955 درگذشت.

همانگونه که می‌دانیم، براون به شدت به کارکردگرایی وابسته بود. تاکید بر انشعاب و بیان جامعه مستقیماً از مباحث دورکیم پیرامون همبستگی مکانیکی و ارگانیکی اقتباس شده بود و رادکلیف براون آن را مستقیماً وارد حیطه انسان‌شناسی بریتانیا نمود. او نیز همانند دورکیم بر این عقیده است که عملکردهای مذهبی از باورهای دینی اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل است که وی با این قضیه کاری ندارد که آیا باورها حقیقت دارند یا خیر و بدین ترتیب از صحت و سقم گذارهای دینی عبور می‌کند. به نظر او باورها واقعاً اهمیتی نداشته و تنها آنچه مردم درعمل انجام می‌دهند، اهمیت اساسی دارد. از این رو به نظر براون، باورها، دلیل تراشی‌ها و توجیه‌های مناسک‌اند و می‌توان گفت که مناسک بیان نمادین و تنظیم شده برخی احساسات‌اند. پس می‌توان نشان داد که مناسک کارکردهای اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که نبای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند. دیدگاه براوان، نمی‌تواند در انسان‌شناسی دینی امروز حرف چندانی برای گفتن داشته باشد چرا که به قول میرچا الیاده، فهم دینی بدون فهم روح دینی امری غیرممکن و بیهوده است.

..................................................................................................................................................................

**ادارود ایوانز پریچارد 1902-1973**

**آثار عمده:**

**جادوگری، غیب گویی در بین مردم آزادنده1937)**

**نوئرها (1940**

**خویشاوندی و ازدواج در بین نوئرها 1951**

او در سال 1902 متولد شد و در رشته تاریخ دانشگاه آکسفورد مشغول به تخصیل شد و در سال 1924 مدرک کارشناسی و ارشد خود در رشته تاریخ معاصر را از همین دانشگاه اخذ کرد. او تحصیلات انسان شناسی خود را در دانشکده اقتصاد لندن تحت نظر سی. جی. سلیگمن بود انجام داد. دیگر استاد برجسته او در این دانشگاه بی شک برانیسلاو مالینوفسکی بود. سلیگمن در سال 1926 طی قراردادی موظف شد که تحقیق مردم نگارانه درباره گروه های بومی مصری در سودان انجام دهد اما به علت بیماری ایوانز پریچارد بیست و پنج ساله را برای انجام این کار میدانی مامور کرد. بنابراین پریچارد در اولین کار انسان شناسانه خود مامور دربار سلطنتی بریتانیا شد. سوابق دهشتناک بریتانیا در میدان مطالعه‌ی پریچارد مشقت کار او را دوچندان کرد چرا که سوژه‌های تحقیق عملاً او را دشمن خود تلقی می کردند. سالها بعد ایوانز پریچارد در زمان جنگ رهبری نیروهای چریک در مرز سودان و اتیوپی بر علیه نیروهای ایتالیا را بر عهده داشت؛ این عملکرد موجب شد که روزنامه نگاران لندنی به او لقب استاد چریک آکسفورد یا رهبر مردم قبیله حبشی دهند. او در سال 1945 به انگلیس برگشت و استاد انسان شناسی دانشگاه کمبریج و آکسفورد شد و سالها بعد در مقام یک دانشگاهی بازنشسته درگذشت.

همانگونه که می‌دانیم اهمیت پریچارد به خاطر تحقیقاتش در مورد آزادنده‌ها به خصوص مفاهیمی مانند جادو و سحر می‌باشد. پریچارد سعی دارد نوع متفاوت فهمیدن آزانده‌ها در برخورد با زندگی دینی و اجتماعی را به ما نشان دهد. او با توصیف مثال‌ها متعدد در کار خویش نشان می‌دهد مفاهیمی که از نظر ما در یک گروه دینی، مضحکند در بین آن گروه بسیار راهبردی و کارآمد به نظر می‌آیند. او از منظر کارکردی به ما ی‌کند که جادو نهادی است که به شکلی توامان تنش‌ها و مناسبات اجتماعی آزانده‌ها را برما آشکار می‌کند از سوی دیگر در این اثر پریچارد در حقیقت روش احترام و فهم ادیان بیگانه را برای مطالعه و تحقیق به ما نشان می‌دهد.

..................................................................................................................................................................

**کلود لویی اشتروس (1908-2009)**

**آثار عمده: ساختارهای ابتدایی خویشاوندی(1949)**

**ذهن وحشی1966)**

**توتمیسم(1963)**

**خام و پخته (1969)**

**از عسل تا خاکستر(1973)**

**سرآغاز آداب غذایی(1978)**

**انسان عریان(1980)**

**نگاه از دور(1985)**

**کوزه گر خسیس(1988)**

اشترواس در سال 1908 در فرانسه به دنیا امد. پدر او یک نقاش نیمه ورشکسته و پدربزرگش موزیسن بودند . خانواده او دارای سرمایه فرهنگی و اجتماعی بالایی بودند اما توانایی مالی آنها بسیار ناچیز بود. لوی اشتراوس پی از فراغت از تحصیل از دانشگاه سوربن در سال 1932 و اخذ مدارکی در حقوق و فلسفه، به مدت دو سال در مدرسه ایی در س می‌داد و در سیاست به طیف چپ تعلق خاطر داشت. پس از مدتی تدریس بار دیگر به دانشگاه باز گشت در در رشته جامعه شناسی که در آن دوران کاملاً دورکیمی بود ادامه تحصیل دهد. در سال 1935 این فرصت را یافت تا به یک گروه آموزشی فرانسوی ملحق شود که دست اندرکار تاسیس دانشگاه سائوپائولو در برزیل بود و تا آن دوران دانشجویان بسیاری کمی داشت. او به مرور جذب انسان شناسی شد و در پایان اولین سال حضور در برزیل برای انجام مطالعات انسان شناسی و انجام کار میدانی به میان قبیله سرخ پوست ماتوگروسو در غرب برزیل رفت. او در طول این سالها سفرهای متعددی به مناطق جنگلی برزیل داشت که شرح آخرین سفر وی در کتاب اندوه استوایی توسط خود نویسنده توصیف شده است. او صد و یک سال عمر کرد و برخی از آثار او بعد از سن بازنشستگیش منتشر شدند. اهمیت اشترواس برای کل مجموعه علوم، به علت جایگاه منحصر به فردی که او در پیشرفت فکری و نظری این علوم داشته است. او در انسان شناسی به عنوان بنیان‌گذار ساختارگرایی شناخته شده است. تاثیر و عمق ساختارگرایی اشتراوس به قدری بود که در یک دوره نسبتاً طولانی فضای روشنفکری فرانسه را کاملاً قبضه کرده بود. بخشی از این محبوبیت زاییده مشاجره کلامی او و سارتر بود که در انتهای کتاب ذهن وحشی(1966)آغاز شد و سریعاً به ژورنال‌های روشنفکری فرانسه کشیده شد. گرچه بعد از دهه هفتاد سایه اشتراوس به آرامی از فضای نظری فرانسه کمرنگ شد اما کماکان می‌توان تاثیر او را به متفکران بیشتر نحله‌های فکری هنری و علوم انسانی فرانسه مشاهده نمود.

اشتراوس با انسان‌شناسی دینی نیز کاملاً درگیر بود. او در مطالعه ساختارهای اساسی زندگی اجتماعی؛ به سه بخش توجه اساسی داشت؛ نظام‌های طبقه‌بندی، نظریه خویشاوندی و منطق اسطوره که هر یک از این سه بخش در کارهای اشترواس با انسان شناسی دین ارتباط عمیقی دارند. البته او بیشتر در پی ویژگی مبادله‌ایی و ارتباطی مناسک و آیین‌های دینی بود. از نظر اشترواس خویشاوندی، مبادله و اسطوره ها همگی نظام‌های ارتباطی بودند.

.................................................................................................................................................................

**ویکتور ترنر(1920-1983)**

**آثار عمده:**

**تصویر و سفر زیارتی در فرهنگ مسیحی: دیدگاه های انسان شناختی(1957)**

**گسست و تداوم در یک جامعه آفریقایی(1857)**

**اولوهیت ندمبو(1961)**

**جنگل نمادها ابعاد مناسک ندمبو**

**طبل های عزا**

ترنر در سال 1920 در گلاسکوی اسکاتلند به دنیا آمد. خانواده او بر خلاف بسیاری از انسان شناسان شهروندان معمولی بودند. پدرش مهندس برق و مادرش کارمندی جز بودند. ترنر در آغاز به مطالعه ادبیات و شعر علاقه مند بود اما در نهایت در دانشگاه لندن مشغول به تحصیل انسان شناسی شد. وی در حین تحصیل زیر نظر انسان شناسان برجسته ایی مانند رادکلیف براون و ادموند لیچ پرورش یافت. وی در دوران جنگ از خدمت سربازی فرار کرد اما پس از دستگیری محکوم به خنثی‌سازی مین‌های برجامانده از جنگ به مدت سه سال شد. در همین دوران با همسرش که بعدها همکار او شد آشنا شد. بعد از ازدواج و تولد دو فرزند به ادامه تحصیل در رشته انسان شناسی پرداخت. ترنر از سالهای 1950 تا سال 1954 در مرز بین زئیر و آنگولا در میان قبایل تدمبو در شمال غربی زامبیا به تحقیقات میدانی پرداخت. ترنر بیشتر سیر حرفه ای خود را در ایالات متحده گذراند. وی ابتدا به استادی دانشگاه کلرنل و سپس به دانشگاه شیکاگو و از سال 1977 تا زمان مرگش در دانشگاه ویرجینیا مشغول به کار بود. وی ویراستار مجموعه پر ارزش«نماد، اسطوره و مناسک» بود که دانشگاه کارنل منتشر می کرد. بعد از مرگ همسرش دست به تکمیل کارهای نیمه تمام او زد.

همانگونه که می‌دانیم سهم ترنر در انسان‌شناسی دین بیش از هر چیزی مدیون تمرکز او بر مناسک گذار و ادامه تئوری آرتور ون گنب بود. او بخش عمده‌ی کارش در حوزه انسان شناسی دین را به تحقیق درباره این مناسک و نیز قهرمانان دینی اختصاص داد. تخصص عمده ترنر در نمادها، زائران و نمایش‌نامه‌ها بود. او درمورد جماعت‌واره تبیین‌های محکمی دارد که ما را به حالت گذارا در شرایط غیرعادی همچون مناسک گذار یا زیارت ارجاع می‌دهد. جماعت‌واره از سوی کنشگران حالتی ازلی ، یا اکنونی ابدی است و لحظه‌ای ورای زمان است که نگرش ساختارگرایانه به زمان را برنمی‌تابد. او این ویژگی را در مناسک‌ها، خلوت‌گزینی‌های آیینی و سفرهای زیارتی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد. کاری که ترنر و نیز ون‌جنب در حوزه انسان‌شناسی دین انجام می‌دهند، توجه به ماهیت نمادها، فرایندهای اجتماعی سفر زیارتی و تحلیل زمان‌هایی است که به انسان‌ها و نه نظم بیرونی وابسته است.

.................................................................................................................................................................

**کلیفورد گیرتز1926-2006**

**دین جاوا 1960**

**پیچیدگی کشاورزی 1963**

**دستفروشان و شاهزادگان1963**

**تاریخ اجتماعی یک شهر در اندونزی 1965**

کلیفورد گیرتز در سال 1926 در سان فرانسیسکو متولد شد و در جنگ جهانی دوم در نیروی ایالات متحده خدمت کرد. او بعد از جنگ به کالج انتیاک رفت و علائق خود را در انگلیسی و فلسفه دنبال نمود. گیرتز در دوران تحصیل کارشناسی خود درگیری چندانی با علوم اجتماعی نداشت. او مانند بسیاری از انسان‌شناسان، فیلسوفی بود که برای پاسخ گویی به سوالاتی که نیاز به میدان تجربی داشتند رو به سوی انسان‌شناسی آورد. او در بخش روابط اجتماعی دانشگاه هاروارد ثبت نام کرد و این امر در نهایت او را به سوی مطالعات میدان در جزایر اندونزی سوق داد. گیرتز از سال 1952 تا سال 1954 عضو یکی از تیم های دانشمندان علوم اجتماعی بود که در مدوجاکوتو در جاوه، بر روی پروژه‌ایی کار می کردند که بودجه آن از سوی بنیاد فورد تامین می‌شد. گیرتز بعد از مطالعات میدانی در دانشگاه شیکاگو مشغول به تدریس شد و تا سال 2006 یعنی زمان مرگش، در سمت استادی باقی ماند. .

گیرتز در مقام یکی از برجسته ترین و مورد توجه‌ترین انسان‌شناسان فرهنگی معاصر آمریکا، خود به طور مستقیم به مطالعه میدانی در میان مردمان مراکش و اندونزی پرداخت و سپس دیدگاه های خود درباره دین را در مقاله «دین به مثابه یک نظام فرهنگی» و کتاب »اسلام در کانون مشاهده عرضه» کرد کلیفورد گیرتز متاثر از تحصیلات فلسفی‌اش بر این باور بود که انسان‌شناسان باید به شکلی توامان، توانایی رویت هر دو سطح کلان و جزیی را باهم داشته باشند. او معتقد به نوعی هرمنوتیک فرهنگی بود. گیرتز ضمن نقد رادیکال رویکردهای پوزیتویستی سطحی حاکم بر رشته انسان‌شناسی که در آن هر گونه تفسیر و خوانش از فرهنگ بومی غیر ممکن می‌نمود، پروبلماتیک خود را درک ِ درک[[8]](#footnote-8) دیگران می‌نامند. به نظر گیرتز انسان‌ها در تارهای معنایی که خود آنها را ساخته‌اند معلق هستند، این تار و پودها فرهنگ هستند. دین نیز یک برساخته‌ایی اجتماعی است که انسان‌ها با استفاده از آن به سوالاتی که از طریق عقل سلیم بدان‌ها پاسخی داده نمی‌شود پاسخ می‌دهند. دین (که خود یک برساخته اجتماعی است) از طریق ایجاد انگیزه‌ها و رفتارها و نیز مفاهیم عام درباره هستی، انسان را راضی نگه داشته و او را کنترل می‌کند. به این ترتیب از گفته‌های گیرتز می‌توان فهمید که فهم دین، جز از طریق درون فهمی و استفاده از زبان و دانش بومی میسر نمی‌باشد.

....................................................................................................................................................................

**مری داگلاس(1921-2007)**

**آثار عمده:**

**پاکی و خطر تحلیل مفاهیم ناپاکی و تابو(1966)**

**نمادهای طبیعی: کاووش هایی در کیهان شناسی(1966)**

**در برهوت: تعالیم مربوط به نجاست در کتاب اعداد(1993)**

**لاویان به مثابه اثری ادبی(1999)**

**اشک های یعقوب: وظیفه کشیشان در ایجاد آشتی و مصالحه(2004)**

**انسان شناسی و دانش روزمره(مجموعه مقالاتی از داگلاس که بعداً بوسیله دیگران گردآوری شد)**

داگلاس در سال 1921 در سن رمو ایتالیا متولد شد اما مانند اغلب انسان شناسان برجسته قرن بیست در بریتانیا پرورش یافت و به تحصیل پرداخت. پدر او یک بریتانیایی بود که در ایتالیا به عنوان کارمند خدمات استعماری فعالیت می کرد. مادر داگلاس یک کاتولیک بسیار مذهبی بود از این رو خود داگلاس به عنوان یک کاتولیک معتقد پرورش یافت. با وجود زمینه‌های زیستی نظیر تفاوت فرهنگی و شغل پدر، پس از طی کردن یک دوره نظامی در کونگو در خلال جنگ جهانی دوم به انسان‌شناسی علاقه مند شد و به منظور تحصیل در این این رشته به دانشگاه آکسفورد بازگشت و زیر نظر ایوانز پریچارد به تحصیل پرداخت. او در سن سی سالگی موفق به اخذ درجه دکتری خود شد و در همان سال با جیمز داگلاس سیاستمدار محافظه کار بریتانیایی ازدواج کرد. او پیش از ازدواج در کارمند وزارت مستعمره‌های بریتانیا بود. وی دو نوبت در سالهای 1949 و 1954 به مطالعه میدان قومی در میان قبیله لیل در زئیر پرداخت. وی از سال 1951 تا از 1977 در دانشگاه آکسفورد به تدریس انسان شناسی مشغول بود. پس از بازنشستگی علاقه به مسئله مذهب به شدت بر آثار وی تاثیر مثبتی گذاشت.

همانگونه که می بینیم آثار متعددی از ماری داگلاس برجای مانده است اما سهم عمده او در انسان شناسی دین، ایده های کلیدی داگلاس در کتاب پاکی و خطر است. او در این کار دست به تحلیل مفهوم پاکی و نجاست که دو مفهوم کلیدی و تاثیرگذار در حوزه دین هستند، زد و با مقایسه این مفاهیم در جوامع متفاوت گامی کلیدی در انسان‌شناسی دین و به کار گیری روش‌های تفسیری و نمادین برداشت. می‌بینم او در پی ساختارهای نمادین در نزدیک‌ترین و درونی‌ترین فعالیت‌های بدنی مانند فرایند دستشویی رفتن و تجربه مشترک انسانی تغذیه و دفع است. او موضوع کثافت را چیزی شبیه به فرایند بودن و نبودن، زندگی و مرگ و مفاهیم انتزاعی و فلسفی از این دست می‌داند داگلاس به ما نشان می‌دهد که مسئله واقعی در مفاهیم پاکی و نجاست؛ بهداشت نیست بلکه، وضعیتی نمادین است که در آن گروه های دینی و اجتماعی تمامیت خود را با استفاده از آنها حفظ می‌نمایند. به زبانی دیگر کثافت چیزی فی نفسه نیست بلکه به عنوان مثال یهودیان با استفاده از مفاهیم به شدت گسترده خود در حوزه نجاست و پاکی، وضعیت به شدت در خطر قومی و دینی خود را در حالتی منسجم و ایستا‌تری قرار می‌دهند.

.................................................................................................................................................................

**شری اورتنر (1941)**

**آثار عمده**

**شرپاها از درون مراسمشان :مطالعات مربوط به نمادگرایی (1978)**

**مردم نگاری شرپاها(1978)**

**انسان شناسی فمنیسیتی(1996)**

شری اورتنر در سال 1941 در یکی از بخش های طبقه متوسط و یهودی نشین نیویورک واقع در ایالت نیوجرسی امریکا به دنیا آمد. در کالج برین ما به عنوان دانشجوی کارشناسی انسان شناسی مشغول به تحصیل شد و در سال 1962 از آنجا فارغ التحصیل شد سپس در مقطع ارشد به دانشگاه شیکاگو رفت و از همین طریق کار میدانی خود بروی شرپاها را آغاز نمود. شرپا قومی هستند که در شمال شرق نپال سکونت دارند. او شاگرد کلیفورد گیرتز بود و کارهای خود را متاثر از او انجام می داد. او در سال 1976 برای تکمیل کارهای میدانی خود به نپال بازگشت اما پس از این سفر به تدریس انسان شناسی در دانشگاه های کلمبیا و برکلی پرداخت. شری اورتنر از دهه نود به این سو تمرکز مطالعاتی خود را بر جامعه شهری آمریکا قرار داده است مثلاٍ او در مورد معنای طبقه و رابطه فیلم‌های هالیود و جامعه آمریکایی تحقیق و پژوهش نموده است. اورتنر همسر تیموتی دی. تایلور استاد برجسته اتنوموزیک می باشد.

تاثیر عمده اورتنر در انسان شناسی دین نه به خاطر کتاب‌های متعدد او بلکه به علت چاپ مقاله‌ایی کوچک اما بسیار مهم به نام آیا نسبت زن‌ها به مردها مانند نسبت طبیعت به فرهنگ است؟ می‌باشد. این اثر در زمره آثار کلاسیک انسان‌شناسی است. شری اورتنر همانند دیگر بانوی انسان‌شناس به خوانش ساختارهای نمادین در زیست روزمره علاقه‌مند بود. از نظر او دین و فرهنگ مانند قلمی است که بروی طبیعت نقش خود را حک می‌کند و در آن تغییر ایجاد می‌کند. زنان به خاطر ساختار فیزیولوژی زنانه؛ مانند زادآوری، عادت ماهیانه، شیردهی، بارداری و...به طبیعت نزدیک‌ترند و به نظر بیش از مردان در طبیعت ریشه دارند. در این وضعیت می‌توان گفت دین به عنوان قلمرویی از فرهنگ اساساً امری مردانه است. . شورتنر در این مقاله نشان می‌دهد که در وضعیت‌های طبیعی و ادیان طبیعی‌تر نقش مردان نیز طبیعی‌ بوده است. آن مردان شکارچیانی بودند که همانند زنان در وضعیت قاعدگی و زادآوری، با خون و مرگ سروکار داشتند. اهمیت کار شورتنر در حوزه دین علاوه بر فن تفسیری که او در مقاله‌اش به ما می‌آموزد سنجش پدرسالاری و مردمحوری در ادیان طبیعی در قیاس با ادیان کلاسیک می‌باشد.

..................................................................................................................................................................

**طلال اسد(1932)**

**آثار عمده :**

**اعراب کابیش: قدرت، اقتدار و توافق در اعراب کابیش(1970)**

**انسان شناسی و رویارویی استعماری(1973)**

**ایده انسان شناسی اسلامی(1986)**

**تبار شناسی دین: انضباط و دلایل قدرت اسلام و مسیحیت(1993)**

**تشکل های سکولار: مسیحیت، اسلام و مدرنیته(2003)**

**انتحاری(2007)**

طلال اسد از مادری عرب و مسلمان و پدری یهودی‌تبار که اهل اطریش بود متولد شد. محمود اسد اما در پاکستان سنتی و مذهبی زندگی کرد.. محمود اسد نویسنده، منتقد، اصلاح طلب و روشنفکر بسیار تاثیرگذار معروف عرب است که در سن بیست سالگی به دین اسلام روی آورد. محمود اسد یک دیپلمات بود اما با گرویدن به دین اسلام و یادگیری زبان های فارسی و عربی عملاً به یکی از مغزهای متفکر جهان اسلام تبدیل شد. او قران را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و در استقلال پاکستان به شدت حمایت می کرد. فرزند او طلال به خاطر شغل دیپلماتی پدر، در مدرسه شبانه روزی در پاکستان که اکثر دانش‌آموزان آن مسیحی بودند به عنوان یک اقلیت مسلمان پرورش یافت، اهمیت این وضعیت در دغدغه‌های دینی طلال و نیز ادغام آنها با شرق شناسی سعید به وضوح به چشم می‌آید. بعد از تجربه تحصیل در مدرسه شبانه روزی اسد تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل در رشته معماری به انگستان سفر کند اما بعد از مدتی از ادامه تحصیل در این رشد دلزده شد و تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل در رشته انسان شناسی به ادینبورگ مراجعه نماید. دانشگاه ادینورگ در دورانی که اسد مشغول به تحصیل در آن شد برخلاف سایر دانشکده های انسان شناسی بریتانیا به سنت آمریکایی نزدیک بود. اغلب این دانشگاه متاثر از سلطه براون رویکردی ساختاری/کارکردی به انسان شناسی داشتند اما دانشگاه ادینبورگ به انسان شناسی نمادین و انسان شناسی روانی متمایل بود. بعد از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در این دانشگاه اسد برای ادامه تحصیل در دانشگاه آکسفورد و نیز ملاقات با ایوانز پریچارد راهی این دانشگاه شد. آشنایی با پریچارد در انتخاب میدان تحقیق اسد بی تاثیر نبود. اسد همانند چریک آکسفورد میدان تحقیق خود را از آفریقای مسلمان یعنی سودان زد. اسد برای پنج سال در دانشگاه خارطوم که ارتباط خوبی با آکسفورد داشت دست به تدریس و پژوهش زد و نگارش نخستین کتاب او یعنی کبابیش[[9]](#footnote-9) مربوط به همین دوره می باشد. نگارش این کتاب در حقیقت آغاز پیوند ایده‌های اسد درباره شرق‌شناسی و انسان‌شناسی است، یعنی سیستمی که غرب دست به تعریف جوامع غیر غربی می‌زند.

یکی از خطرهای اساسی که پیشتر ادوارد سعید درباره آن به ما هشدار بود ایجاد عقاید قالبی از شرق در مطالعات شرق شناسانه است. در این قالب‌سازی‌هاست که پنداره‌هایی چون عرب، تروریست و مسلمان شکل می‌گیرد و در تمامی این مفاهیم آن پیش‌داوری‌های تاریخی درباره ذهنیت اروپایی‌های نسبت به دیگری‌های شرقی وجود دارد. این قالب‌ها همه چیز را ساده، سیاه و سفید می‌کنند و این ساده‌سازی بهترین بستر در جهت پیاده‌سازی سیاست‌های استعماری و استثماری است.

در حقیقت با او با استفاده از روش تبارشناسی میشل فوکو و فردریش نیچه و ترکیب استادانه این روش به انسان شناسی دین خود را مبدل به بزرگترین متفکر در حوزه مطالعات پسا استعماری، مسیحیت و اسلام کرد. او در سالهای اخیر تمرکز خود را روی سکولاریسم و مدرنیته نهاده است.

..............................................................................................................................................................

**میرچا الیاده(1907-1986):**

**الهیات عرفانی هند(1963)**

**سیاحت معنوی**

**تاریخ تطبیقی تکنیک های یوگا**

**تاریخ ادیان**

**شمنیزم**

**یوگا**

**رویاها و رمزها**

**ولادت عارفانه**

**اسطوره و نماد(1963)**

**باورها و عقاید دینی**

**سرویراستاری دائره المعارف دین**

**مقدس و نامقدس(1959)**

**اسطوره بازگشت جاودانه**

میرچا الیاده، دین شناس، قوم شناس، هندشتاس، پژوهنده اساطیر و نمادها و داستان نویس رومانیایی در سال 1907 در شهر بخارست متولد شد. پدر او افسری آرام و گوشه‌گیر بود و دستی در نوشتن و خواندن شعر و ادبیات داشت. الیاده در دوران نوجوانی تجربه برخورد با رویدادهای ماورایی را داشته است او می گوید در هنگام ورود به اتاقی متروکه، که از پرتوهای که از پرده های سبز وارد اتاق میشد، با فضایی زمردی-طلایی غیرزمینی روبه رو شد و احساس کرد که به یک جهان کاملاً متفاوت و متعالی منتقل شده است. همین اتفاق و نیز مطالعه فلسفه و اندیشمندان رنسانسی ایتالیا موجب شد تا برای مطالعه ادیان و فرهنگ هند راهی هندوستان شود. او مدتی بعد در جریان همین سفرها به هیمالیا و تبت رفت تا یوگا را تجربه کند.

وی به مدت چهارسال در هند به مطالعه فلسفه، ادیان، فرهنگ هند، به طور خاص یوگا و زبان سانکسریت پرداخت سپس به رومانی بازگشت و تر دکترای خود را درباره یوگا نوشت. او در سال 1940 وابسته فرهنگی در لندن شد و سپس به لیسبون منتقل شد. وی پس از پایان جمپ جهانی دوم به پاریس رفت و به تدریس در سوربن پرداخت و پس از در اغلب دانشگاه های اروپا تدریس کرد. او از سال 1957 دست به تدریس تاریخ ادیان در دانشگاه شیگاگو زد. زندگی سیاسی او نیز به همین شکل پر از فراز و نشیب بود او از سوی کمونیست ها متهم به دشمنی با کارگر و بعد از انقلاب متهم به همکاری با حکومت کمونیستی شد. به هر حال می توان گفت الیاده بیش از هر انسان شناسی با دین درگیر بوده است. تقریبا تمام آثار او حتی رمانش رنگ دینی دارد. تنها دائره المعارف دینی به همت الیاده در 16 مجلد با 2750 مقاله اصلی، توسط 1400 نفر از دین شناسان و پژوهندگان ادیان مختلف از پنجاه کشور جهان در مدت هفت سال تدوین شد و یک سال بعد از مرگ الیاده به عنوان ثمره بزرگترین پروژه ادیان منتشر گردید. در این اثر، تاریخ ادیان گذشته و حال سراسر جهان در سراسر تاریخ معرفی شده است. روشن است که در این مجموعه رجال دینی، کتابهای مقدس، نهادها، آداب، شعایر، مناسک، آیین‌ها باورها نظریه‌ها نمادها قصص اصطلاحات، مفاهیم و نیز ربط سایر حوزه های فرهنگی نظیر فلسفه هنر علم سیاست حقوق و اخلاق و نظایر آنها با دین و مقولات دینی را هم از نظر دور نداشته‌اند.

...............................................................................................................................................................

**لوسین لویی برول(1857-1939)**

**آثار مهم:**

**یاکوبی(1894)**

**آگوست کنت(1900)**

**اخلاق مرسوم و علم اخلاق(1903)**

**ذهنیت ابتدایی(1910)**

لوسین لویی برول در شهر پاریس متولد شد و زندگی معمولی را در این شهر سپری کرد. او در ابتدا به فلسفه به خصوص فلسفه علم علاقه مند بود و از این رو به تحصیل در این رشته پرداخت و دکتری خود از دانشگاه نورمال سوپریور اخذ کرد. او بعدها استاد تاریخ فلسفه دانشگاه سوربن شد اما بنا بر گفته خودش برای پاسخ گویی به برخی از سوالات کلاسیک فلسفی به انسان‌شناسی روی آورد. از نظر او فلسفه بیش از حد تحلیلی است و در پاسخ گویی به برخی از سوالات در نهایت منجر به بازی‌ها زبانی بی پایان می شود، اما انسان‌شناسی با استفاده از داده های تجربی درباره شناخت و معرفت انسان‌ها، امکان پیدا کردن پاسخ را فراهم می‌کند. دورانی که برول در دانشگاه سوربن مشغول به کار بود در واقع عصر سلطه تفکر دورکیمی و البته کانتی بر فضای روشنفکری فرانسه بود. برول در پی پاسخ گویی بدین سوال بود که آیا همه مردم جهان دارای یک فاهمه مشترک و جهان شمول هستند؟ آیا ذهنیت‌های پیشا منطقی دقیقاً به روشی که ما دنیای اطراف خود را درک می کنیم فکر می کنند؟ این سوالات البته ذهن انسان شناسان و فیلسوفان زیادی را غیر از برول به خود مشغول کرده بود.كتاب «فلسفه صورت‌هاي سمبليك: انديشه اسطوره‌اي» اثر ارنست كاسيرر با كتاب «كاركردهاي ذهني در جوامع عقب مانده» نوشته لوسين لوي-برول از جمله آثاری بودند که مستقیماً در پی پاسخ گویی بدین سوال بودند.

برول به نظر نسل آخر انسان شناسان کتابخانه ایی بود و داده های خود را از سایر انسان شناسان و حتی مسیونرها و کشیش ها جمع آوری می کرد و این یکی از ایرادات اصلی به کار او است. علاوه بر این استفاده از لفظ پیشامنطقی نیز، تبلور نوعی نگاه تطوری و نیز اروپامحور در کار اوست که انتقادات زیادی را برانگیخت. اما تاثیر عمده کار برول بر انسان شناسی دین و حتی که پارادایم های انسان شناسی، علاوه بر انسجام شگرف کار او و تحلیل‌های بسیار پخته، رد نظریه ذهنیت جهان شمول کانتی بود. او با طرح این ایده که مردم در جوامع غیراروپایی لزوماً مانند غربی ها فکر نمی کنند اساساً امکان قضاوت‌های شتاب زده را از انسان شناسان درباره دیگری های غیر اروپایی از بین برد. برول در این اثر با ذکر مثال‌های متعدد از آداب، آیین ها، مناسک و رسوم جوامع مختلف به ما نشان می‌دهد که مردم جوامع بدوی دارای ذهنیت عرفانی و جمعی یا به قول کاسیرر اسطوره‌ایی هستند و قادر به انتزاع و تفکیک مانند ذهن غربی نیستند. از این رو می توان گفت که لوسين لري برول نخستين كسي بود كه ذهنيت اقوام ابتدايي را بر پايه پژوهش هاي انسان شناختي بررسي كرد و كوشيد تا خصوصيات بارز اين ذهنيت را بشناسد و تفاوتش را با ذهنيت منطقي - علمي دريابد.

1. Shadow soul [↑](#footnote-ref-1)
2. Image soul [↑](#footnote-ref-2)
3. animism [↑](#footnote-ref-3)
4. fetishism [↑](#footnote-ref-4)
5. Paganism [↑](#footnote-ref-5)
6. polytheism [↑](#footnote-ref-6)
7. monotheism [↑](#footnote-ref-7)
8. Understanding the understanding [↑](#footnote-ref-8)
9. Kababish [↑](#footnote-ref-9)